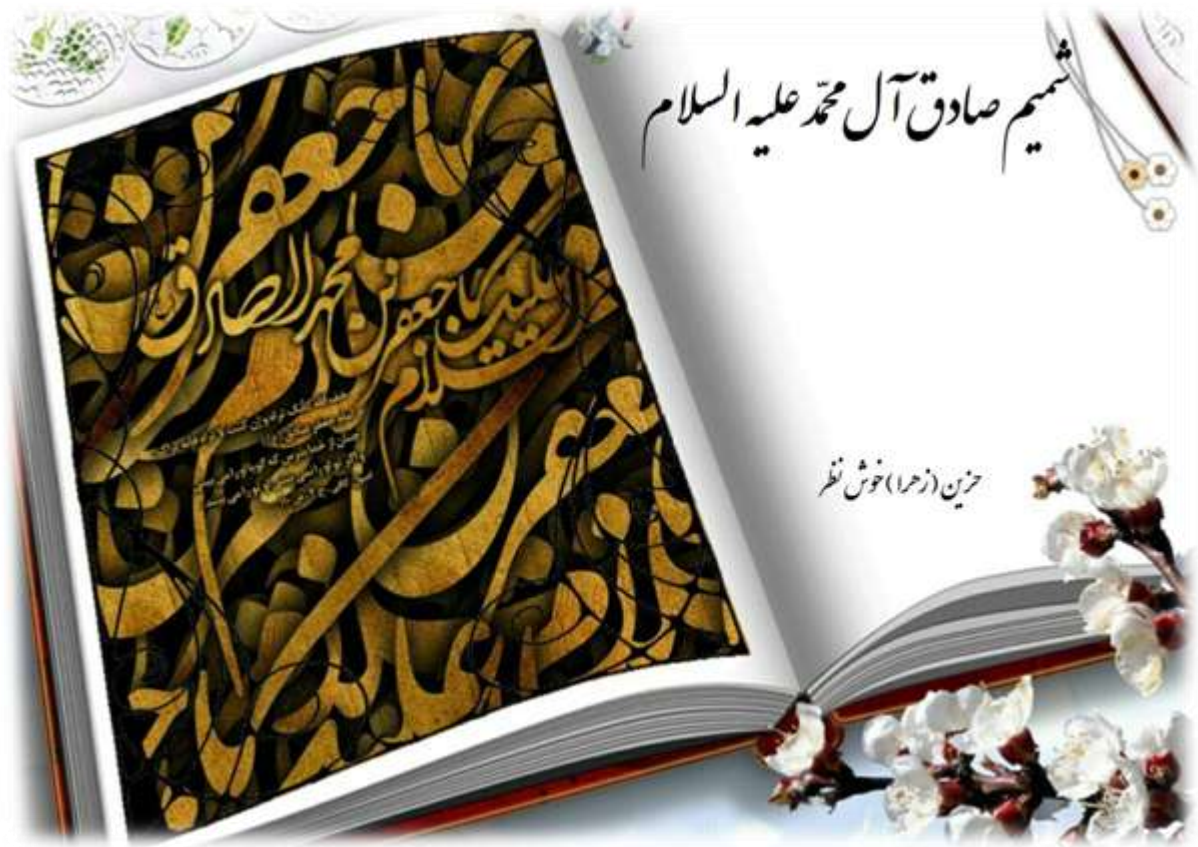


الله الرحمن الرحيم



<http://hazzin.blogfa.com>

اردیبهشت ۱۳۹۵





اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ

پروردگار! درود فرست بر حضرت جعفر بن محمد امام صادق،

خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ

که گنجینه علم تو، و خواننده خلق با نور علم، و حجت روشن بسوی حق است.

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ

پروردگار! چنانکه تو او را معدن اسرار کتاب وحی خود، و مخزن علم،

وَ لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَ وَلِيَّ أَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفَظَ (مُسْتَحْفَظَ) دِينِكَ

و زبان گویایی به توحید و معرفت، و ولی امر خود، و نگهبان دین خویش قرار دادی.

فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَانِكَ وَ حُجَجِكَ

پس درود فرست بر او، بهترین درودی که بر احدی از خاصان و جتهای خود فرستادی،

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

که البته تو ای خدا در صفات و ذات پسندیده و بزرگواری.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ



مدینه، شهر پیامبر، و آسمانش پر است از ملائک،
و پژواک صلوات و تکبیرشان در فضا موج می زند.
کوفی هموز جبرئیل در افق نشسته است.
مدینه شهر علی علیه السلام، با نخلستان ها و چاه هایش،
و صدای غربت امیر المؤمنین علیه السلام در دل چاه طنین انداخته است.
شهر فاطمه سلام الله علیها. یاس کبود،
و مدینه که یاس را کم کرده است.
وزمین و آسمان مدینه هموز بوی یاس می دهد.

مدینه است و تصبیح.

و تصبیح پرچمدار مظلومیت سبزه امام حسن علیه السلام.

مدینه است و تصبیح.

و تصبیح صحیفی عشق را، سجدارا، سوز عشق و عرفان را، دستان سبزه عارا، در دامن مهربان خویش نهان کرده است.

مدینه است و تصبیح.

و تصبیح کوهر نایاب باقرالعلم بعد النبی را، در صدف خویش پنهان کرده است.

مدینه است و تصبیح.

و تصبیح بوی یاس می دهد.



و این بار، صادق آل محمد (ص)، در مینه است.

نام مادر کرامی اش فاطمه، و کنیه اش ام فروه، بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر بود که امام صادق علیه السلام در حق او فرمود:
«مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوی و پرستیزکاری را اختیار کرد و احسان و نیکوکاری نمود و خدا دوست دارد
نیکوکاران را.»^۱

و مادر کرامی حضرت، ام فروه، چنان مجلله و مکرمه بود که به سبب آن گاه حضرت را به ابن المکرمه تعبیر می کردند.^۲
امام صادق علیه السلام به مدت نوزده سال با پدر کرامی شان امام محمد باقر علیه السلام زندگی کردند و علما و محدثین به حضور
ایشان می رسیدند تا در موضع های گوناگون از علم و حدیثش بهره گیرند.
و ایشان در تاسیس دانشگاهی که آثار آن همه می دنیا را فرا گرفته بود شرکت داشتند.
و پس از شهادت پدر کرامی شان، سی و چهار سال (که مدت امامت ایشان به شمار می آید) زندگی کردند.
و در ایام حج پیش از چهار هزار نفر در مجلس امام جعفر صادق علیه السلام، گل های معطر و باران خورده می حکمت را، پیچیده در
مخل ارغوانی نور، در باغ سبز دلهایشان می کاشتند.

و صندوق سینه پرمی شد از سبب های دانایی، و خوشه های معرفت.

امام علیه السلام، که دولت اموی را سخت در کسر مشکلات خود می دید، و فضایی را که سرآغاز آن در دوران پدر ارجمندشان
پیدا شده بود، برای خود آماده یافت.

^۱ - منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۳۸.
^۲ - منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۳۸.

لذا با تمام توان به انجام رسالت خویش همت گماشت.

علما و دانشجویان، و آنهایی که اندیشه‌هایی یگانه با اسلام داشتند از هر سوی به سوی ایشان ریسپار شدند،

و به آن دانشگاهی که پدر آن حضرت پیش از وی بنیان گذاشته بود، وارد شدند.

و این دانشگاه در زمان امام صادق علیه السلام به اوج فعالیت‌های خود در همه رشته‌ها رسید.

و ایشان که مدت پنجاه سال را در زمان اموی‌ها، و حدود پانزده سال را در عهد عباسی‌ها زندگی کرد، و دولت اموی را در اوج

قدرت و ابهت و سلطه‌ای که داشت، و سپس در سیر نزولی آن تافروپاشی آن درک کرد، در مورد دولت عباسی نیز شاید نخستین

روزهای شکوفایی‌اش بود که بر ویرانه‌های امویان، سنگ‌بنای خود را بر زمین زدند، و در مقابل بازگشتی‌های آنان، برخی ویژگی‌های

مثبت از خود نشان دادند و همین که جای پایشان محکم شد زبان حال مردم این شده بود که:

ای کاش ظلم و ستم بنی مروان (بنی امیه) همچنان باقی بود، و عدل بنی عباس در آتش می‌سوخت.

امام صادق علیه السلام از یاران باوفا و مصلحت‌خواست تا پیش از زبان، با کردار خود الگویی و الای مکتب خود باشند.

زیرا مردم، رهبران را طای کرده‌اند، از زیبایی می‌کنند.

و به یاران خود می‌فرمود:

شماره تقوای خدا و ادای امانت در مورد کسانی که شمارا این شمرده‌اند،

و نیز حسن دوستی و رفاقت با آنها که دوستی برقرار کرده‌اید سفارش می‌کنم،

ومی‌خواهم که در عین سکوت (با عمل خود) مبلغ ما باشید.

و آنان پرسیدند: ای فرزند رسول خدا چگونه می شود ساکت باشیم و در عین حال به خدای دعوت کنیم؟

امام علیه السلام فرمود: آنچه را که در اطاعت خدا فرمانتان دادیم عمل کنید، و با مردم به درستی و عدالت رفتار کنید، و امانت را اداء کنید، و به معروف امر کنید، از منکر نهی کنید، و مردم جز خیر و نیکی، چیزی از شما نینند، و هرگاه این چیزها را از شما دیدند، متوجه برتری آنچه که ما داریم و مدعی هستیم می شوند و بدان روی می آورند.

امام صادق علیه السلام در درس های بزرگ خویش در این دانشکده جهانی دتدارک انقلابی عظیم بود.

انقلابی جهانی که با نشر فرهنگ اسلامی و فقه جعفری مسلمانان را، و تمام مردم جهان را، از مرداب جهل و روزمرگی های گناه آلوده سرزمین سبز حکمت و عشق رهنمون می شد.

و به دور از سیاست و سیاستمداران، که به خوبی واقف بود که شہوت قدرت و سلطه به کسی رحم نمی کند، در جهت دعوت به دین و نشر فرهنگ واقعی تشیع و احکام آن، و عمل به آن کام بر می داشت، و به همه رشته های علمی می پرداخت، و با زنادقه و ملحدین، و منخرفین در اندیشه و ستمگری ها از اصول اسلام، به مناظره پرداخت.^۲

و، ابراهیم ادهم و مالک بن دینار و سفیان ثوری و معروف کرخی، از غلامان آن حضرت بودند.

و ابوحنیفه نیز، در خدمت امام علیه السلام بود.

و مالک بن انس که فقیه اہل مدینہ بود و یکی از سران مذاہب، در کاب آن حضرت در ایام حج بود.

که چون شتر آن حضرت در محل احرام ایستاد، و آن حضرت خواست که تلبیہ بگوید، چنان حالش متغلب شد

۲ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، تألیف هاشم معروف الحسنی، ترجمه محمد مقدس، ج ۲.

که هر چه کرد توانست تلبیه بگوید، و نزدیک بود که از شتر بر زمین افتد.
 مالک بن انس گفت: یا بن رسول الله، تلبیه را بگو که چاره‌ای نیست از گفتن آن.
 و امام علیه السلام فرمود: چگونه جرأت کنم بگویم لبیک اللهم لبیک،
 و می‌ترسم که خداوند عزوجل فرماید: لالبیک ولا سعیدک.^۴
 و مالک بن انس پیشوای مذهب مالکی، از امام صادق علیه السلام این گونه سخن می‌گفت:
 «هرگاه بر جعفر بن محمد (صلی الله علیه وآله) وارد می‌شدم، یا او را روزه‌دار می‌یافتم، یا برپا ایستاده به نماز،
 و یاد حال تلاوت قرآن.

آن حضرت بسیار شیرین سخن، خوش محضر و پرفاقدت بود.
 در فضیلت، دانش، عبادت و پارسایی، بلند پایه‌تر از جعفر بن محمد (صلی الله علیه وآله) دیده‌ام نیده، و کوشی نشنیده،
 و بر اندیشی بشر ننگدشته است.^۵»

و، محمد بن طلحه شافعی، پیشوای مذهب شافعی نیز در حال سخن گفتن از امام صادق علیه السلام بود:
 «شنیدن سخنان جعفر بن محمد (علیه السلام) موجب زهد و پارسایی می‌باشد، و پیروی از او بهشت را در پی خواهد داشت.
 نور چهره‌اش گواه آن بود که از سلاله‌ی نبوت است.
 و پائی کردارش شاهد بر این که از دو دمان رسالت است.

^۴ - به نقل از منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۱۴۱.
^۵ - از کتاب الامام الصادق والمذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۵۳.

او از دانشی سرشار، و عبادتی بسیار برخوردار بود.

معانی قرآن را می‌کاوید و کوه‌های آن را بیرون می‌آورد، و از سگفتی‌های آن بهره‌می‌گرفت.

آن‌گرا می‌چنان بود که دیدارش جهان معنی و سرای جاودان را به یاد می‌آورد. ^۶

و امام علیه السلام می‌فرمود:

خداوند رحمت‌کننده‌ای را که محبت مردم را به سوی خویشتن، و سوی ما جلب کند.

بدین گونه که آنچه را مردم از ما می‌پسندند آشکار می‌نماید.

و از برابر آنچه ایشان نمی‌پسندند در نمی‌یابند می‌پرسند. ^۷

و عنوان البصری، یکی از یاران مالک بن انس بود که به امام صادق علیه السلام پیوسته بود.

از جمله سفارش‌هایی که امام علیه السلام به او کردند این بود که:

اگر خواهان دانش هستی بیش از هر چیز حقیقت‌بندی را در خود جستجو کن.

عنوان البصری گفت: حقیقت‌بندی چیست؟

امام علیه السلام فرمود: سه چیز است.

(اول) اینکه بنده، ملکی جز آنچه خدا به او واکذار کرده برای خود نبیند.

زیرا بندگان ملکی از آن خود ندارند و مال را مال خدای دانند، و همان‌جا که خدا فرمان داده قرارش می‌دهند.

^۶ - كشف الغمه، ج ۲، ص ۱۵۴.

^۷ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۷.

و اگر بنده در آنچه که خدا در اختیارش گذاشته ملکی برای خود نیند، انفاق آن در آن راه‌هایی که خدا فرمان داده

برایش آسان است.

و (دوم) اینکه، تدبیر و سرنوشتی برای خود در نظر نگیرد، و اگر سرنوشت خود را به پروردگار سپرد، ننج‌ها و مصیبت‌های دنیا

بر او آسان می‌گردد.

و (سوم) اینکه، به آنچه خدا انجامش را فرمان داده و آنچه که انجامش را منع کرده، سر دازد.

و وقتی چنین کرد و تنها در این اندیشه بود، نیازی به ریاکاری و مبالغت با مردم ندارد.

چنانچه خداوند بنده‌ای را به این سه ویژگی فرمود، دیگر دنیا برایش آسان می‌گردد، و از باب فخر و فزون‌خواهی آن را

نمی‌طلبد، و ارج و مقامی را در میان مردم نمی‌خواهد.^۸

و امام علیه السلام، به فرزندش موسی (علیه السلام)، که وصی او بود و در کنارش نشسته بود می‌فرمود:

فرزندم سخاوت مرا بپذیر، و سختم را به خاطر بسپار که اگر آن را به خاطر سپردی زندگی سعادتمندانه‌ای خواهی داشت،

و نیک‌نام می‌گیری.

فرزندم! هر کس به قسمت خدا خشنود بود بی‌نیاز گردد.

و هر کس چشم به آنچه نزد دیگران است دوخت تنگدست می‌شود.

و هر کس از آنچه خدا به وی داده راضی نباشد، در قضای الهی تردید روا داشته است.

^۸ - از کتاب زندگانی دوازده امام، ج ۲، ص. ۲۹۶.
این حدیث در کشکول شیخ بهایی نیز آمده است.

وهرکس لغزش خود را کوچک شمارد، لغزش دیگران را بزرگ می بیند،
وهرکس لغزش دیگران را خوار شمارد، لغزش های خود را بزرگ می شمارد.
فرزندم! هرکس پرده از کار دیگران برگیرد، نادیدنی های خانه اش بر ملا گردد.
وهرکس شمشیر ناکاری بدست گیرد، خود نیز کشته می شود.
وهرکس جایی برای دیگران کند، خودش در آن می افتد.
وهرکس وارد جاهای شک برانگیز شود متهم می گردد.
فرزندم، از خوار شمردن مردان بر حذر باش که خواری کردی.

و سخن حق را به سود تو یا به زیانت باشد بر زبان آر.

کتاب خدا را تلاوت کن، در سلام گفتن پیش قدم باش، به نیکی ها امر، و از زشتی ها نهی کن.
با کسی که قطع روابط کرده رابطه برقرار کن، و به آن کس که از تو چیزی خواست اجابتش کن.
زنهار که متعرض عیب های مردم نگردی، که چنین کس انگشت نامی شود.
و اگر در پی جود و کرم بر آمدی، معدن آن را دریاب،
که کرم و سخار نیز معدن مانی است، و معدن ها، رشته مانی دارند، و هر رشته شاخه مانی، و هر شاخه میوه مانی دارد.
فرزندم، اگر به دیدار کسی می روی تنها میکان، و نه ناکاران را زیارت کن،
که ناکاران سنگ مانی هستند که آبی از میان آنها بر نمی آید، و درختانی هستند که برگشان سبز نمی شود،

وزمینی اند که بوطه ای نمی رویند.^۹

و امام علیه السلام، شیعیان را به قبر حضرت علی بن ایطالب علیه السلام، که حدود صد سال مخفی بود، و کسی جز امامان و خواص از جایگاه قبر آن حضرت اطلاع نداشتند، بنمون شد، و آن را بر دوستان و شیعیان اهل بیت علیم السلام آشکار ساخت.

و امام صادق علیه السلام، در یکی از نشست های که با ابوحنیفه داشت به او فرمود:

ای ابوحنیفه مردم عراق را به چه فتوای دبی؟

ابوحنیفه گفت: به کتاب خدا.

امام فرمود: و تو از کتاب خدا، ناخ و منوخ آن، و محکم و متشابش خبر داری؟

ابوحنیفه گفت: آری.

امام فرمود: درباره ی این آیه «و قدرنا فیما السیر سیر و ان فیما لیلی و ایماً امنین» منظور کجاست؟

ابوحنیفه گفت: میان مکه و مدینه است.

امام صادق علیه السلام رو به حاضران کرده فرمودند:

شماره خدا، آیات میان مکه و مدینه که حرکت بکنید بر جان و مال خود تائین دارید؟

گفتند: خیر.

^۹ - و از امام رضا علیه السلام آمده که فرمود: پدرم تا لحظه مرگ این سفارش را آویزه گوش خود قرار داد. کتاب حلیة الاولیاء، اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام.

امام علیه السلام فرمود: ای ابوحنیفه، خداوند جز حق سخنی نمی گوید.

حال در مورد این آیه برایم بگو، «ومن دخله کان امنا»، منظور وارد شدن به کجاست؟

ابوحنیفه گفت: خانه می خدا.

امام جعفر صادق علیه السلام رو به حاضران کرده و فرمود: شمارا به خدا مگر نمی دانید که عبدالله زبیر و سعید بن جبیر،

وارد آن شدند و جان سالم بدر نبردند.

گفتند: آری به خدا چنین است.

ابوحنیفه گفت: من علمی از قرآن ندارم و تنها به قیاس می پردازم.

امام علیه السلام فرمود: حال که چنین است و قیاس می کنی بگو بنیم، کدام یک قتل یا زنا، کناهی عظیم تر است؟

گفت: قتل.

امام فرمود: پس چگونه است که در قتل تنها دو شاهد، ولی در زنا به چهار شاهد حکم صادر می شود؟

و بگو کدام یک، نماز، یا روزه برتر است؟

گفت: نماز

امام علیه السلام فرمود: ولی بنا به قیاس تو لازم می آید که زن حائضه، پس از اتمام حیض نمازش راقضا کند،

نه روزه می خود را.

حال آن که خداوند متعال قضای روزه، و نه نماز را بر او واجب کرده است.

آن گاه به او فرمود: آیا بول کثیف تر است یا منی؟

ابوحنیفه گفت: بول کثیف تر است.

امام علیه السلام فرمود: بنا به قیاس تو بایستی انسان پس از خروج بول، و نه منی، غسل کند.

ابوحنیفه گفت: من صاحب رأی هستم.

امام علیه السلام فرمود: حال نظرت درباره ی مردی که برده ای دارد، و خود و برده اش در یک شب بهمسرگزینند،

و هر دو نیز، یک شب با همسران خود بهمبستر شدند، سپس به سفر رفتند، و همسران خود را در یک خانه جا گذاشتند،

و همسران دو کودک به دنیا آوردند، سپس خانه بر سر آنها خراب شد، و دوزن به هلاکت رسیدند،

و دو کودک زنده ماندند چیست؟

به نظر تو کدام یک ارباب، و کدام یک برده، و کدام یک وارث، و کدام یک ارث گذار است؟

ابوحنیفه گفت: ولی من اهل «حدود» الهی هستم.

امام علیه السلام فرمود: درباره ی مرد کوری، که چشم بینایی را از حدقه بیرون آورده باشد،

و دومی بریده دستی، که دست کسی را بریده باشد چه می گوئی، و چگونه «حدود» درباره ی او اجرامی شود؟

ابوحنیفه گفت: ولی من عالم به بعثت پیامبران هستم.

امام علیه السلام فرمود: حال به من بگو درباره ی سخن الهی به موسی و هارون، به هنگامی که ایشان را نزد فرعون فرستاد،

و فرمود: «لعمریک اوی نخی»، آیا «لعل» (چه بسا - شاید) متعلق به بشر (من و تو) نیست؟

گفت: چرا.

امام علیه السلام فرمود: آیا خداوند هم تردیدی دارد؟

ابوحنیفه گفت: نمی دانم.

امام علیه السلام فرمود: فکر می کنی که به کتاب خدا فتوای دهی، ولی از جمله وارثان آن نیستی.

فکر می کنی صاحب قیاس هستی، حال آنکه تحتین کسی که قیاس کرد ابلیس بود.

و فکر می کنی صاحب رأی می باشی، حال آن که رأی از رسول خدا دست بوده، و از دیگری خطاست.

زیرا خداوند می گوید: «فا حکم بینهم بما ارک الله»، و این سخن را به دیگری نگفته است.

و فکر می کنی که صاحب «حدود» هستی، حال آنکه آن کس که حدود بر او نازل شد، در علم آن به تو اولی تر است.

و فکر می کنی که به مبعوث شدن پیامبران آگاهی، حال آن که خاتم پیامبران از توبه بعثت آنان داننا تر است.

و اگر گفته نمی شد که ابوحنیفه بر فرزند رسول خدا وارد شد و چیزی از او نپرسید، چیزی از تو نمی پرسیدم.

ابوحنیفه گفت: از امروز به بعد دیگر به «رأی» و «قیاس» سخنی نمی گویم.

امام علیه السلام فرمود: هرگز چنین نیست، ریاست طلبی ترارها نخواهد کرد، بهمخان که پیش از ترانیرها نکرد.

و در سال ۱۴۸ هجری، امام صادق علیه السلام در بستریاری بودند، و مدینه در تب و تاب حزنی عظیم بود.

و امام جعفر صادق علیه السلام در بستریاری، و در حال احتضار امر نمود تمام خویشان و دوستان و افراد خانواده را، نزد ایشان

جمع کنند، و احدی مانند مکر ایکنه در آن بهنگام نزد امام علیه السلام حاضر بود، و امام به تمام آنها نظر نمود و فرمود:

ان شفاعتنا لاتنال من شفاعت بالصیوة

(همانا شفاعت ما به کسی که نماز را خوار و سبک شمارد نخواهد رسید.)

وبازیدینه بود و بقیع.

و امام علیه السلام بر دوش تشیع کنندگان، در حالی که ابوهریره عجبی در شمار تشیع کنندگان بود، و می خواند:

- می گویم در حالی که او را بر سر و شانه می خود حل می کنند.

- آیامی دانید که چه کسی را به خاک می برید، از دنیا رفته ای که از اوج بلندی، به خاک سپرده می شود.

- فردا بر قبر او خاک می ریزند، ولی بهتر که بر سر خود خاک بریزند.^{۱۰}



۱۰ - اقتباس از کتاب زندگی دوازده امام، نویسنده هاشم معروف الحسنی، ترجمه محمد مقدس.

سپری می شود این ظلم، عدوی بازدا می رسد آنکه خداوند بر او می نازد
آید آن روز که بیند همه عالمیان ادر بقیع حضرت مهدی حرمی می سازد



نه رواتی، نه کنبدی، حتی
سنگ قبری سرمزار تو نیست
غیر مثنی کبوتر خسته
خادمی، زائری، کنار تو نیست
بعض هایم کجا دخیل شوند؟
پس ضریحت کجاست آقا جان؟
روضه خوان با چرانمی خوانند؟
گریه با بی صداست آقا جان

کنبدي نيست تا دلم سپرد
پايداي کبوتران شما
کاش مي شد که دانه اي کيرم
اشب از دست مهربان شما

حرف گلدره را نيايد زد
تا حدودان شهر بسيارند
از شما خانواده آقا جان
دردينه همه طلبکارند

حيث آن چاهها که حيدر کند
چقدر مادت دعاشان کرد
عوض آن همه محبت ها
اين دينه چه خوب جبران کرد
کاش ايران مي آمدی آقا
نرد ما اهلبيت محترمند

پسر مظلوم بی حرم، اینجا
پسران تو صاحب حرمند
کاش ایران می آمدی آقا
ملک ری قبله می ولای می شد
مثل مشهد برایتان اینجا
مشهد الصادقی بنامی شد

کاش ایران می آمدی آقا
قدمت روی چشم با جا داشت
کاش خاک سلجقه و فکده
عطریاس عیانتان را داشت

کاش ایران می آمدی آقا
مردش رأفت و حیا دارند
ریسمان دست هم نمی بندند
همه دل های با صفا دارند

کاش ایران می آمدی آقا

در دینه غریب افتادید

من بمیرم برایتان؛ کبیر

عده ای ناخجیب افتادید

کاش ایران می آمدی آقا

مردمش از مغیره بنزارند

حرمت کیسوی سیدت را

در دینه نکه نمی دارند

کاش ایران می آمدی آقا

نوگری تو کم ثوابی نیست

همه جا از فضائلت کویند

صحبت از مجلس شرابی نیست

(وحید قاسمی)



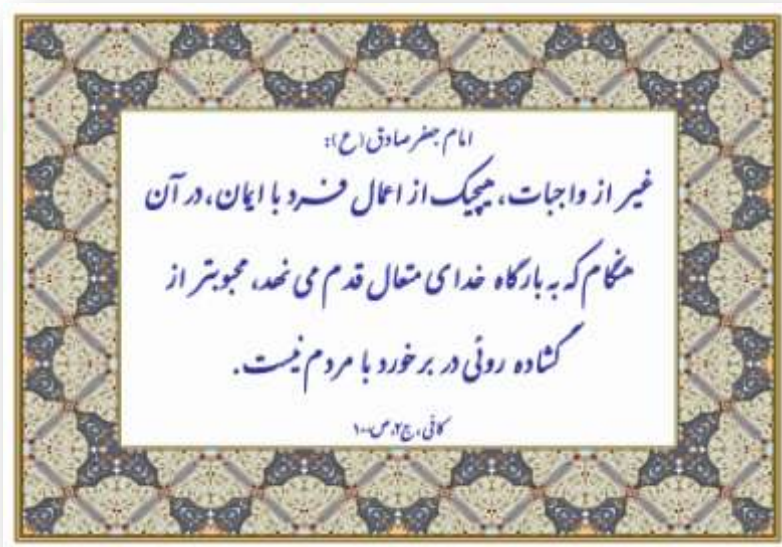
و اینک کوش جان می سپاریم به سخنان کهر بار امام صادق علیه السلام .

و حکمت را از سر چشمه اش می نوشیم.

و صندوق سینه ایمان پر می شود از سیب های دانایی، و خوشه های معرفت.



هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.





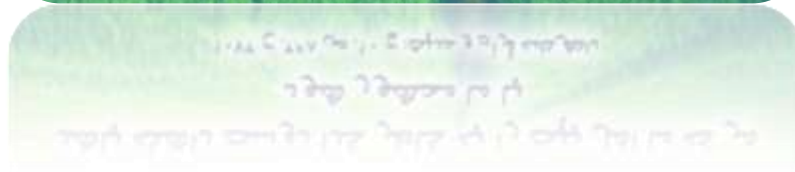
زکال حدیث
 علیه السلام
قال الامام الصادق
 مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ
 حَاجَةً قَضَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ
هر که یک حاجت برادر مؤمنش
را روا کند خداوند صد هزار
حاجت او را در قیامت بر آورد.

مکتب حقیقی آستان قدس
 ۱۳۹۰

زکال حدیث
 علیه السلام
قال الامام الصادق
 مَنْ أَصْبَحَ وَ أَمْسَى وَ الدُّنْيَا أَكْبَرُ
 هَمَّهُ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى الْفَقْرَ بَيْنَ
 عَيْنَيْهِ وَ شَتَّتْ أَمْرَهُ وَ لَمْ يَنْلُ مِنْ
 الدُّنْيَا إِلَّا مَا قَسَمَ اللَّهُ لَهُ
هر که بیشتر فکرس دنیا باشد، خداوند
(مهر) فقر بر پیشانی او زده کارش را
پریشان سازد و از دنیا به چیزی بیش
از قسمت خود نرسد

مکتب حقیقی آستان قدس
 ۱۳۹۰

امام صادق علیه السلام فرمود: نفس شخص اندوهگین به خاطر ظلمی که بر ما رفته، به منزله تسبیح (سبجان الله گفتن) است، اندوه او به خاطر ما عبادت است و پرده پوشی اسرار ما جهاد در راه خداست.
سپس فرمود: زینده است این حدیث باطلا نوشته شود.



امام صادق (ع):

زندگی دنیایی را بر چهار چیز بنا کرده ام:

- ۱- فهمیدم که عمل مرا دیگری انجام نمی دهند، پس به کوششی پرداختم
- ۲- دانستم که خداوند بر حال من اطلاع دارد، پس خجالت کشیدم
- ۳- فهمیدم روزی مرا دیگری نخواهد خورد، پس آرامشی یافتم
- ۴- دانستم بالاخره به سوی مرگ میروم، به همین جهت آماده آن شدم

بحار الانوار، جلد ۲۵، صفحه ۲۲۸

امام صادق علیه السلام:

صَلِّ عَلَى الرَّحْمَةِ نَعْمَ النَّبِيَّاتُ وَ تَزِيدُ فِي الْأَعْمَارِ وَ لَيْتَ كُنْتُ أُمَّهُمَا غَيْرَ
أَخِيَارٍ

صله رحمه فائده ها را آباد و عمرها را طولانی

می کند، هر چند صله رحمه کنندگان مردمان

فویبی نباشند.

امالی (طوسی) ص ۴۸۱

امام صادق (ع):
 شیطان گفته همه مردم در قبضه حکومت
 من هستند:
 به جز پنج دسته:

- ۱- کسی که با نیت صحیح در هر کاری بر خدا توکل کند
- ۲- کسی که شبانه روز به هنگام ثواب و خطا بسبزه یاد خدا میکند
- ۳- کسی که هر چه برای خود میپسندد برای دیگران هم میپسندد
- ۴- کسی که به هنگام مصیبت مصبور میماند
- ۵- کسی که به قسمت الهی راضی باشد و غیر برای بخورد

نصایح. ص ۲۲۵



امام صادق (عنه السلام):
 سنگهای زیربنای اسلام سه
 چیز است: نماز، زکات و ولایت
 که هیچ یک از آنها بدون
 دیگری درست نمی شود.

منبع: کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۱۸، ج ۴







شاخص مومن بودن

قال الصادق (ع): لا تنظروا الي طول ركوع الرجل و سجوده فان ذلك شيني اعتاده فلو تركه استوحش لذلك ولكن انظروا الي صدق حديثه و اداء امانته.
امام صادق (ع) فرمود:

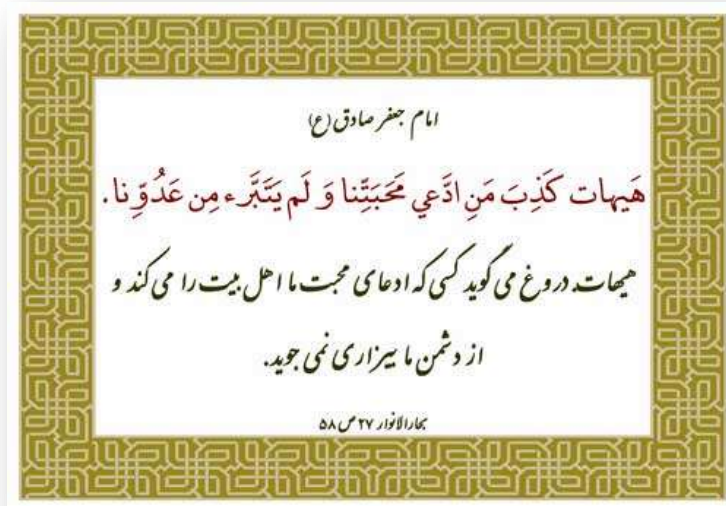
به طولانی شدن رکوع و سجود افراد ننگرید!
زیرا این چیزی است که فرد بدان عادت کرده است
و ترک عادت، ترس آور است!
اما نگاه کنید به: راستگویی و امانت داری او.

اصول کافی، ج ۳، ص ۱۶۵

Shamad



مدت زندگی مردم بیشتر با احسان و نیکوکاری شان تعیین می شود تا با عمر مقدر،
و پیش از آن که به سبب فرار رسیدن اجل خود بمیرند بر اثر گناهان خویش می میرند.



علم فقط نوری است که در دل کسی که خداوند تبارک و تعالی اراده هدایت او را نموده است واقع می شود.

پس اگر علم می خواهی باید در اولین مرحله در نزد خودت حقیقت عبودیت را بطلبی،

و به واسطه ی عمل کردن به علم، طالب علم باشی. و از خداوند بپرسی و استغاثم نمایی تا خدایت تو را جواب دهد، و بفهماند.





پیچ صلیق علیہ السلام

هر کس سه بار بر تو خشم گرفت

ولی به تو پاره فگفت

اورا برای خود

به دوستی انتخاب کن

بحلولانفوج ۶۱، ص ۱۳۳

پیچ صلیق علیہ السلام

هر کس سه بار بر تو خشم گرفت

ولی به تو پاره فگفت

اورا برای خود

به دوستی انتخاب کن

از امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت شده است:

هر کس فردی از فقیران مسلمانان را بپوشاند یا با چیزی از غذایش او را یاری رساند، خدای

عز و بل بهشت هزار فرشته را وکیل کند تا برای هر کتابی که انجام داده است آمرزش

بنویسند تا اینکه در صورت دیده شود.

امام صادق

عليه السلام فرمود

چهار چیز بیهوده از دست می رود
بذل محبت به بی وفا ، نیکی نزد
شخص ناسپاس ، تعلیم به کسی
که گوش شنوا ندارد و سپردن راز بر
کسی که راز نگهدار نباشد .

تصال ، باب چهارم ، حدیث ۱۱۱

محاسبه نفس:

امام صادق (ع) فرمودند: بر هر مسلمانی که
ما را بشناسد سزاوار است که در هر شبانه روز
عملش را بر خود عرضه دارد و خود حسابگر
خویش باشد ، اگر حسنه دید بر آن بیفزاید ،
و اگر گناه دید از آن آمرزش بخواهد تا این
که روز قیامت رسوا نشود.

<http://shaliakbaryousefi.orq.ir>

امام صادق (علیه السلام):

هیچ مسلمانی نیاز مسلمانی را برآورده نکرد
مگر اینکه خدای تبارک و تعالی او را ندا دهد:
پاداش تو بر عهده من است، و من به کمتر از
بهشت برای تو راضی نخواهم بود.

اصول کافی، ج ۲ ص ۱۹۴

الإمامُ الصادقُ (عليه السلام):

ما أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ يَأْتِي عَلَيْهِ سَبْعُونَ سَنَةً أَوْ ثَمَانُونَ سَنَةً يَعِيشُ فِي
مُلْكِ اللَّهِ وَ يَأْكُلُ مِنْ نِعْمِهِ، ثُمَّ لَا يَعْرِفُ اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ!

چه زشت است که آدمی در قلمرو خداوند هفتاد یا هشتاد سال

زندگی کند و از نعمت‌های او بهره گیرد اما خدای

را چنان که باید نشناسد.

میزان الحکمه، ج ۲ ص ۲۹۵





امام صادق (علیه السلام) :

سخاوت آن است که بی درخواست انجام گیرد، اما سخاوتی که در مقابل درخواست باشد ناشی از شرمندگی و برای فرار از سرزنش است.

منبع: بحار الأنوار، بیروت، ج ۴۸، ص ۳۵۲، ج ۲۱



امام صادق (علیه السلام) :

کم ترین سپاسگزاری، این است که انسان نعمت را (مستقیماً) از خدا بداند و جز او علتی برای آن نداند و نیز به آنچه خداوند عطايش کرده، خرسند باشد و با نعمت او مرتکب گناه وی نشود و نعمت خدا را وسیله مخالفت با امر و نهی او قرار ندهد.

منبع: شرح مفید الشریعه، ترجمه آیت‌الله العظمی، ص ۶۹

حدیث از حدیث اربعی و تصویر هدایت محمود اسم (چپ) گرفته شده است







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام صادق (ع) می فرماید:

نیست بنده ای که کتاهی کند پس پشیمان گردد، جز اینکه خداوند
قبل از آنکه آن شخص به زبان از او طلب آمرزش و استغفار کند
او را می آمرزد.

اصول کافی جلد ۲ صفحه ۴۲۷



امام صادق علیه السلام فرمود: **هرکس از ترس فقیر ازدواج نکند نسبت به لطف خداوند بدگمان شده است چرا که خداوند می فرماید اگر آنان فقیر باشند خداوند از فضل و کرم خود بی نیازشان می کند**

من لایمضره الفقیه، ج ۳، ص ۷۵۱
قرآن، سوره نور، آیه ۳۲

امام صادق علیه السلام: چه کسی چهار چیز را به من تضمین می دهد، تا من
چهار خانه در بهشت برای او تضمین کنم! انفاق کن و از تنگدستی مترس،
سلام گفتن را در جهان رواج ده، بحث و جدل را و گذار هر چند
حق با تو باشد، و با مردم به انصاف رفتار کن. «میزان حکمه ۲، صفحه ۳۷۹»



امام صادق (علیه السلام):

**اسراف کنندگان سه نشانه دارد: آنچه در
شأنش نیست خریداری می کند، آنچه
در شأنش نیست می پوشد و آنچه در
شأنش نیست می خورد.**

منبع: حصال ص ۱۶۱، ج ۱۱۴ - تفسیر نورالقلوب ج ۱، ص ۷۷۲، ج ۲۱۲
(شبه این حدیث در من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۱۶۷، ج ۲۳۲)





امام صادق (ع):

هرچشمی در روز قیامت گریان است ، مگر سه چشم:
چشمی که در برابر حرام هلی خدا بسته شود و چشمی
که در راه اطاعت خدا شب زنده داری کند و چشمی
که در دل شب از خوف خدا بگریزد

گزیده اصول کافی ص ۱۵۹



امام صادق (ع) از قول رسول خدا (ص) فرمودند:

اخلاق خوب و محبت آمیز کنان را ذوب می کند
بهانطور که آشد آفتاب برف و یخ را
و اخلاق بد عمل خوب را فاسد می سازد
بهانطور که سرکه عمل را.

مکتبۃ الانوار سنه ۳۳۱

<http://ayehayeentezar.com>



امام صادق علیه السلام فرمودند:
سه چیز پشیمانی در پی دارد: به خود
بالیدن، فخر فروشی، و چیره جویی بر
دیگران.

ایمت و جایگاه نماز در سخنان معصومین (ع) (نوار آسمانی)

شیعیان ما را در اوقات نماز آزمایش کنید

که چقدر به فکر نمازشان هستند.

امام صادق (ع) سینه البحار، جلد ۲، صفحه ۴۴

امام صادق (علیه السلام) :
 حریص از دو خصلت محروم
 شده و در نتیجه دو خصلت را
 با خود دارد: از قناعت محروم
 است و در نتیجه آسایش را از
 دست داده است، از راضی بودن
 محروم است و در نتیجه یقین
 را از دست داده است.

منبع: خصال ص ۶۹، ج ۱۴



حدیث از سایت اونی گرفته شده است

قال امام صادق

الْبِرُّ وَالصَّدَقَةُ السَّرِيئَتَانِ الْفَقْرُ

بحار الانوار ج ۱۴ ص ۱۴

**نیکی و صدقه پنهان فقرا
 از میان برمی دارند.**



www.janbahar.net





السلام علیک یا جعفر بن محمد الصادق



یا ابا عبد الله، ای جعفر بن محمد، ای صادق، ای فرزند رسول خدا،

یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا
ای حجت خدا بر بندگان، ای آقا و مولای ما،

إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ
به تو روی آوردیم و تو را واسطه قرار دادیم و به سوی خدا به تو توسل جستیم

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا

و تو را پیش روی حاجاتمان نهادیم،

یا وَجِیهاً عِنْدَ اللَّهِ اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،
ای آبرو مند نزد خدا، برای ما نزد خدا شفاعت کن،

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِهِ



السلام عليك يا امام جعفر صادق عليه السلام

<http://www.aparat.com/v/YVjDI>

لظفاروی لینک بالا کلیک فرمائید.
تقدیم بہ دل های زلال و چشمان دریایی تان.

التماس دعا



بہ پایان آمد این دفتر حکایت، همچنان باقی ست.